

یادداشت‌های دردمندان چاوشی و قربانی برای ایران

صدای میانه و اندوه وطن

در بحبوحه تحولات اخیر، چهره‌های سرشناس موسیقی ایران، محسن چاوشی و علیرضا قربانی، با انتشار پیام‌ها و آثاری جدید، دیدگاه‌های خود را در قبال مسائل جاری کشور ابراز داشتند. چاوشی با اتخاذ موضعی میانه و انتقادی نسبت به اپوزیسیون خارج‌نشین، بر رنج و لزوم دفاع از وطن تاکید کرده و ترجیح خود را ایستادن در این نقطه میانه و مرگ در همین میان اعلام نموده است. همچنین علیرضا قربانی نیز با ابراز اندوه عمیق نسبت به جان باختن کودکان میناب، خون آنان را درختی برای آزادی ایران توصیف کرده و بغض پدران‌اش را در این یادداشت کوتاه به تصویر کشیده است. این دو واکنش، بازتابی از طیف وسیع احساسات و دیدگاه‌ها در میان هنرمندان ایرانی در این برهه حساس است.



محسن چاوشی، خواننده:

ترجیح می‌دهم؛ همین وسط بایستم و بمیرم

می‌کنند و بدون اینکه خنده‌شان بگیرد، بشارت آزادی می‌دهند! دیدم حتی نمی‌توانم از اهالی جزیره‌ی اپیستین بخواهم به جان کودکان و دختران بی‌گناه وطنم کاری نداشته باشند!! تا اینکه جنگ شروع شد و کمک‌ها رسیدند، همچنان که قبل از ما کمک‌ها به ویتنام و افغانستان و عراق و لیبی و... رسیده بودند. دیدم جنگ است و فقط می‌توانم بخوانم! که اگر در زمان پهلوی و قاجار هم بودم و بیگانه‌ای به کشورم یورش می‌پرد همین کار را می‌کردم... برای دلگرمی مردم و کسانی که از مردمم دفاع می‌کنند خواندم... «حسبی الله» گفت‌وگوی من با مولایم علی (ع) است و براستی خدا برای ما بس است... اکنون به عنوان کسی در وسط، حاضریم ۴۷ سال دیگر به جمهوری اسلامی فرصت بدهم نقایص خود را برطرف کند تا اینکه با عده‌ای همصدا شوم و پوریم دیگری را در تقویم اسراییل رقم بزنم که در فردای به اصطلاح آزادی با چکمه روی سنگ قبر هموطنانم سرود شادی بخوانند! و آن عده! آن عده خیلی دیر می‌فهمند که در جهان هیچ کشوری جز به منافع خودش فکر نمی‌کند و علاج واقعی در وطن‌هاست! این را هم به آن عده‌ای که سمت درست تاریخ را به من گوشزد می‌کنند می‌گویم: اصلا سمت درست تاریخ و هرچه می‌باید ارزانی خودتان... من ترجیح می‌دهم همین وسط بایستم و بمیرم، وسط مدرسه میناب، وسط خانه‌هایی که سفره‌هایشان کوچک شد، وسط صدای اذان در حیاط مسجدی فرو ریخته... وسط خیابان‌های شهرم...

علیرضا قربانی، خواننده:

خون پاک کودکان میناب درخت آزادی ایران را آبیاری خواهد کرد



محسن چاوشی، خواننده کشورمان همزمان با انتشار آهنگ جدیدش «حسبی الله» نوشت:

از اول اعتراضات و نزدیک به دو ماه است فکر می‌کنم و رصد می‌کنم تا نکته‌ای را در آنسوی مرزها ببایم که جذب کند و حرف حق باشد اما به وجدانم قسم که هرچه گشتم ناامیدتر شدم، پس سکوت کردم! و در این سکوت دیدم حق با بعضی از شماست: من «وسطم»
«وسط» مثل عابری که دی ماه در خیابان به گران شدن گوشت فکر می‌کرد و از پشت تیر به سرش خورده بود. وسط مثل پیرزنی روستایی که نه تلویزیون دارد و نه گوشی موبایل؛ فقط آرزایم دارد و پسری که بیچار شده و چند ماه است قرص‌هایش را به موقع نمی‌رساند... و این «وسط» خیلی جای بزرگی است و خیلی‌ها در آن جا می‌شوند. اصلا قربانی که این «وسط» را ندارد نمی‌تواند انقلابی را رقم بزند یا حکومتش را حفظ کند! در این دو ماه قلبم سوخت برای کشته‌شدگان... اما دست خودم نبود! من به عنوان کسی در وسط، قلبم برای پلیس و معترض و عابر با هم می‌سوخت و برای هر هموطنی که ناچار به خیابان آمده بود و دیگر به خانه برنگشت...

در خانه‌ی من نه صدا و وسیما یک‌ریز جمهوری اسلامی را تبیین می‌کنند نه اینترنت‌شال و منو تو مجال حضور دارند. در خانه من اما هنوز چراغ منطق روشن است و ذهن جستجوگرم آزاد است به هر مباحثه‌ای وارد شود و هر حرف حقی، مهر تایید دریافت کند و مهم نباشد که این حرف از دهان چه کسی خارج شده است. در این دو ماه خیلی فکر کردم و کسانی را دیدم که حتی یک دقیقه فرصت آزادانه و در خلوت فکر کردن را نداشته‌اند و هرچه از رسانه به خوردشان داده بودند را پشت هم تکرار می‌کردند؛ آنچنان مسخ و مسجور که از کینه‌ی حاکمیت حاضرند شب را روز بنامند و روز را شب... و ایران امروز ما چقدر در فضای رسانه‌ها بسته است. به این فکر کردم که اگر برای هر کشوری حتی سوییس هم ده‌ها شبکه اپوزیسیون به زبان خودشان سال‌ها و شبانه روز محتوا تولید می‌کردند که «سوییس کشور خوبی نیست» اکنون درصدی از همین کسانی که در راه مطلق هستند نیز به دنبال براندازی بودند... آری همین رسانه کاری با کشور سامورایی‌های متعصب کرد که در خیابان‌ها به سربازان آمریکایی لیخنند گرم بزنند بی‌آنکه یادشان بیاید در هیروشیما و ناکازاکی چه بلایی به سرشان آورده‌اند...

به هر حال هر چه فکر کردم دیدم نمی‌توانم از بیگانه بخواهم به کشورم حمله کند! دیدم نمی‌توانم کنار سلبریتی‌هایی باشم که به اعتقادات لاقال نیمی از مردم کشورم ناسزا می‌گویند و تهدید به قرآن‌سوزی



علیرضا قربانی هنرمند ایرانی در یادداشتی کوتاه به کشته‌شدن کودکان ایران و به ویژه دانش‌آموزان میناب در جنگ اخیر واکنش نشان داد.

متن وی بدین شرح است: «پدر باشی و هر نفس نگران فرزندان نباشی؟ حاشا! و حالا که جنگ آمده و در خانه‌مان زده است، هر بار که نگاهم به دو کودکم می‌افتد که نه کاملاً از ماهیت جنگ آگاهند و نه آنقدر دور از سیاهی آن که بتوانند به دنیای کودکان‌شان بازگردند، قلبم مچاله می‌شود از فقدان آن کودکان پرپر شده میناب و همه کودکان این خاک که چه زود و نابهنگام ما را تنها گذاشتند.

چه بگویم از میناب و غم بی‌منتهای دانش‌آموزان پرپر شده‌اش که بی‌گناه و معصومانه رخت بر بستند و خون پاک‌شان درخت تنومند آزادی ایران پیکارچه را تا ابد آبیاری خواهد کرد.